

هر وقت به مشکل مالی برخوردند؛ گفتند «مربی ایرانی» باید باشد

محسن ربانی: طلبم از بازی‌های آسیایی را شاگردانم می‌گیرند



مصاحبه
آزاده پیراکوه @Apirakouh

محسن ربانی یکی از نام‌های ماندگار دوومیدانی ایران است. ورزشکاری که سال‌ها نفر اول پرش بانیزه ایران بوده و حالا افتخاراتش را از راه دیگری دنبال می‌کند. شاگردانی دارد که با وجود سن کم می‌درخشند و او از این درخشش لذت می‌برد؛ مثل رکوردی که توسط مهسا میرزاطیبی در لیگ دوومیدانی زنان ثبت شد. ربانی چند سالی است که با دنیای قهرمانی خداحافظی کرده و از همان روزهاست که به همراه همسرش که او هم از قهرمانان این رشته بوده، مربیگری را انتخاب کرده؛ انتخابی که سختی‌های زیادی را هم برایش به همراه داشته است. او و چهره‌هایی مثل هادی سپهرزاد، سجاد مرادی، کاوه موسوی و... که خودشان روزی قهرمان بودند، بهتر از هر کسی سختی‌های مسیر به بار نشستن در رشته‌ای مثل دوومیدانی را می‌دانند و اینجاست که باید حضورشان را در کسوت مربیگری مغتنم شمرد. رکوردشکنی مهسا در مرحله دوم لیگ دوومیدانی باشگاه‌های کشور در ماده پرش بانیزه، بهانه خوبی است برای صحبت با ربانی که می‌گوید طلای بازی‌های آسیایی را طلب دارد و می‌خواهد با شاگردانش به این خواسته برسد.

دو مرحله از لیگ و یک مسابقه جایزه بزرگ برگزار شده که اتفاقاً نتایجش برای شما هم خوب بوده.

فدراسیون خیلی تلاش کرد که لیگ برگزار شود و خدا را شکر این اتفاق افتاد. البته هیچ‌وقت همه چیز صد درصد عالی نیست و حتماً کمبودهایی وجود دارد. به هر حال با توجه به شرایط کرونا و برگزاری رقابت‌ها در زمانی دیرتر از چیزی که انتظار می‌رفت، پیش‌بینی می‌شد رکوردها، خیلی فوق‌العاده نباشند اما با این حال در برخی مواد شاهد این بودیم که اتفاق‌های خوبی رقم خورد. دایمون لیگ‌ها در حال برگزاری است و ما هم باید در ایران رقابت‌ها را شروع می‌کردیم. با توجه به اینکه این رشته در فضای باز برگزار می‌شود، خوشبختانه امکان برگزاری رقابت‌ها با رعایت پروتکل‌های بهداشتی وجود داشت که همین اتفاق هم افتاد و در این یک ماه اخیر، یک مرحله جایزه بزرگ که حکم آزمایش را داشت، با دو مرحله لیگ برگزار شد.

با توجه به شیوع ویروس کرونا، شما از چه زمانی برنامه تمرینی شاگردان‌تان را شروع کردید؟

تقریباً تعطیلی نداشتیم. ما پارسال مرتب تمرین می‌کردیم تا قبل از قهرمانی آسیا که البته هیچ‌کدام از شاگردانم انتخاب نشدند. دو هفته‌ای استراحت کردیم و با وجود اینکه مسابقات هم لغو شد اما در حیات منزل من، تمرینات‌مان دنبال شد. البته فکر می‌کنم ورزشکاران حرفه‌ای خیلی از تمرین دور نشدند؛ به جز در رشته‌هایی که تجهیزات خاصی نیاز دارند.

پرش بانیزه هم امکانات و فضای خاصی را می‌خواهد.

در این دوران، تمرکزمان را روی مواردی گذاشتیم که پیش از این فرصتش فراهم نبود. روی نقاط ضعف‌مان کار کردیم. قدرت بچه‌ها ضعیف بود که در این مدت، روی این موضوع، توان هوازی و سایر مواردی از این دست کار کردیم. در ساعت‌هایی که خلوت بود، به پارک جنگلی می‌رفتیم و ساعات دیگر، از منزل من استفاده می‌شد.

در حال حاضر چند شاگرد دارید.

۸،۷ نفر از نوجوانان و جوانان مستعد هستند که من به همراه همسرم (که از دوومیدانی‌کاران بلاروس بوده) با آنها کار می‌کنیم. البته با توجه به شرایط و برای رعایت همه موارد، ساعت‌های مختلف را برای تمرین بچه‌ها در نظر گرفته بودیم که به صورت جداگانه تمرین می‌کردند. در مورد خانم‌ها من برای اصلاح تکنیکی برنامه‌ریزی می‌کردم و همسرم هم کارهای مربوط به بدنسازی و... را انجام می‌داد.

چی شد که تصمیم گرفتید، مربیگری کنید؟

۶،۵ سال پیش، در روزهایی که می‌خواستم ورزش را کنار بگذارم، همسرم مهسا را به من معرفی کرد و خواست که مربیگری‌اش را بر عهده بگیرم. اولین تجربه مربیگری‌ام بود و برایم خیلی سخت بود. کلاً آموزش برای من خیلی دشوار بود. البته دوستانم خیلی کمک کرده و تشویقم کردند. من در دوره ورزشکاری با مربیان خارجی زیادی کار کرده بودم و تصمیم گرفتم که آنچه یاد گرفته‌ام را به بقیه منتقل کنم. شروع کردم به مطالعه و همزمان کارم را هم دنبال می‌کردم.

مهسا میرزاطیبی با پرشی که داشت، خیلی‌ها را امیدوار کرد.

۵ سال پیش و در سال ۲۰۱۵، مهسا سه متر و ۱۰ سانتی‌متر می‌پرید و حالا می‌بینیم که او رکورد چهار متر را ثبت می‌کند. البته در این مدت خیلی فراز و نشیب داشتیم. به طوری که حتی در یکی از مسابقات برون‌مرزی، مهسا مجبور شد نیزه ورزشکار ترکیه‌ای را بگیرد. اگر آقای کیهانی در دوره قبل مدیریت فدراسیون کمک می‌کرد، ما برای در اختیار داشتن نیزه تا این حد سختی نمی‌کشیدیم.

مشکل مالی وجود داشت یا دلایل دیگری را مطرح می‌کردند؟

متأسفانه بحث مالی را مطرح می‌کردند در حالی که من معتقدم تأمین آنچه ورزشکاران نیاز داشتند، اصلاً اولویت نبود. با کمک یکی از دوستانم که مدیر شرکت پلیمر خلیج فارس است و در لیگ هم تیمداری می‌کند، هزینه خرید نیزه را تأمین کردیم و از سوئد ۵ نیزه را سفارش دادیم. قرار شد نیزه‌ها به ترکیه برسد و من در آنجا دریافت کنم. این اتفاق افتاد اما با وجود اینکه از قبل هماهنگ کرده بودیم، هواپیمایی ترکیه اجازه حمل نیزه‌ها را نداد و من ماندم تا راه حلی پیدا کنم. خلاصه اینکه هر طور شده، بالاخره توانستم از طریق باربری‌هایی که از ترکیه اجناسی را وارد کشور می‌کردند، نیزه‌ها را وارد کنیم. این یک مورد را گفتم تا بدانید برای فراهم کردن مقدماتی‌ترین مسائل هم چقدر سختی داشتیم. من در آن زمان بارها برای فدراسیون نامه نوشتم اما در آن زمان این قبیل اقدامات اصلاً اولویت نبود.

به نظر می‌رسد مشکلاتی از این دست برای مربیان جوان دوومیدانی است که چند سالی از دنیای قهرمانی خداحافظ کرده‌اند، بسیار اتفاق افتاده.

هر وقت که فدراسیون به مشکل مالی برخورد می‌کرد، می‌گفتند مربی ایرانی. حسین رسولی (ورزشکار پرتاب دیسک) داشت با آقای سپهرزاد کار می‌کرد اما روی لج و لجبازی، او و شیری را به بلاروس فرستادند و بعد هم دیدیم که چه مشکلاتی پیش آمد. ما امروز می‌بینیم که شاگرد کاوه موسوی رکورد می‌زند و سپهرزاد در چند رشته مربیگری می‌کند. سجاد مرادی هم به همین شکل. اما با ما چطور رفتار شد؟ من و دوستانم اهل بازارگرمی نیستیم و این حرفی که می‌زنم برای این کار نیست چون معتقدم هر کسی دوست دارد، می‌ماند و کارش را انجام می‌دهد. هر کسی هم که دوست ندارد، می‌تواند در جایی دیگر به زندگی‌اش ادامه بدهد اما یکی مثل سپهرزاد پیشنهاد کار در خارج از کشور را داشته اما مانده و کار می‌کند. یا برای خود من هم شرایط کار در جایی دیگر فراهم بوده اما ما نمی‌توانیم بگذاریم و برویم.

چه انگیزه‌ای باعث شده که حتی حیات منزل‌تان را در اختیار بچه‌ها بگذارید که از آنجا برای تمرین استفاده کنند؟

من از تمرین دادن خسته نمی‌شوم. روزی ۶، ۷ ساعت کار می‌کنم و وقتی می‌بینم شاگردم رکورد کشور را می‌زند، احساس می‌کنم اورست را فتح کرده‌ام. عرشیا که دیگر شاگردم است، با ۱۵ سال سن، چهار متر و ۷۰ می‌پرد در حالی‌که خودم در ۱۹ سالگی این رکورد را ثبت می‌کردم. من از پرورش دادن لذت می‌برم. این کار مثل پرورش دادن درخت پسته می‌ماند که چند سال زمان می‌برد. بعد هم می‌توانم بنشینم و ثمره کاری که انجام شده را ببینم. مثل معماری که ساختمانی را بسیار زیبا طراحی می‌کند. بعد کمی از آن فاصله می‌گیرد، می‌بیندش و لذت می‌برد. کاری که من و دوستانم انجام می‌دهیم، بیشتر لذت شخصی است. روز یکشنبه و زمانی که شاگردان‌مان رکورد کشور را جابه‌جا می‌کردند، همه ایران بازی استقلال را می‌دیدند. توقعی نداریم و طبیعی است که این اتفاق بیفتد و اصلاً کسی متوجه نشود که لیگ دوومیدانی هم در حال برگزاری است. من اهل گلایه نیستم و حالا که شما تماس گرفته‌اید، این صحبت‌ها را مطرح می‌کنم. من کارم را انجام می‌دهم و همین که بچه‌ها نتیجه بگیرند، یعنی اتفاق فوق‌العاده‌ای افتاده است.

> من از تمرین دادن خسته نمی‌شوم و وقتی می‌بینم شاگردم رکورد کشور را می‌زند، احساس می‌کنم اورست را فتح کرده‌ام

فکر می‌کنید چه آینده‌ای در انتظار این نسل جوان است. می‌توانیم برای بازی‌های آسیایی دو دوره بعد به آنها امید ببندیم؟

من معتقدم اگر از این بچه‌ها خوب حمایت شود، ما در همین بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲ شانس مدال‌آوری داریم.

حتی در بخش دختران شانس داریم؟

حتماً همینطور است. مهسا میرزا طیبی، می‌تواند به مدال بازی‌های آسیایی برسد کما اینکه در مواد دیگر هم چهره‌هایی مثل او را داریم. ضمن اینکه شانس را آدم با استعداد می‌آورد. این بچه‌ها استعدادشان را نشان داده‌اند.

مشروط بر اینکه حمایت شوند.

ما باید به دنیا نشان بدهیم که هر چقدر تحریم کنند باز این جوان‌ها زنده‌اند. فعالیت می‌کنند و کار به کار کسی نداریم اما حمایت لازم است. وقتی ورزشکار به مسابقه خوب برود، حریفانش را می‌بیند و خودش را باور می‌کند. پس می‌تواند در مسابقات بزرگ خودش باشد و همه توانش را نشان دهد. انتظار ما زیاد نیست. مگر درباره امیدهای المپیک حرف نمی‌زنیم. خب این همه استعداد. امیدوارم کارشناسان کمیته ملی المپیک این بچه‌ها را ببینند و به هر شکلی که می‌توانند حمایت‌شان کنند. ما یک نسلی بودیم که تا سن بالای ۳۰ سال، در سطح قهرمانی تمرین کرده‌ایم و مسابقه داده‌ایم. از پول بیت‌المال برای ما هزینه شده و می‌خواهیم نتیجه این سرمایه‌گذاری را ببینیم. نتیجه‌اش می‌شود تربیت یک نسل دیگر. ما مربیان ایرانی خوب زیادی داریم. اورنگ مستقیم در مازندران در حیات خانه‌اش دایره درست کرده و ورزشکاری را پرورش داده که به راحتی اول ایران می‌شود. خب این مربی چرا نباید حمایت شود. ما «یا علی» را گفته‌ایم و کارمان را انجام می‌دهیم. بقیه‌اش دست کسانی است که می‌توانند از این ورزشکاران حمایت کنند تا برای کشور اتفاق‌های خوبی بیفتد.

فکر می‌کنید در این مسیر خسته و بی‌انگیزه شوید؟

ان‌شاءالله کاری که شروع کرده‌ام را تمام می‌کنم. من از بازی‌های آسیایی یک طلبی دارم که می‌خواستم با سپیده توکلی نقدش کنم که بنا به دلایلی نشد. حالا چک را دست مهسا و عرشیا داده‌ام تا نقدش کنند. من در کارنامه قهرمانی‌ام مدال بازی‌های آسیایی را ندارم و حالا می‌خواهم شاگردانم طلب من را از بازی‌های آسیا به بهترین شکل و با رنگ طلا بگیرند.

و سؤال آخر. با تیم پلیمر خلیج فارس در لیگ شرکت کردید؛ باشگاهی که گفته می‌شود حمایت‌های خوبی از دوومیدانی داشته. با توجه به این حمایت‌ها، شرایط قراردادهای لیگ دوومیدانی نسبت به قبل بهتر شده است؟

آقای رحمتی که مدیرعامل این شرکت است، در دو سال اخیر حمایت‌های خوبی داشتند و حتی در دوران شیوع کرونا هم ورزشکاران را رها نکردند. بعد از مرحله اول لیگ هم به موقع پول بچه‌ها را پرداخت کردند. نمی‌توانم بگویم قراردادها نسبت به سال قبل تغییر زیادی داشته اما از این باشگاه شاهد برخورد حرفه‌ای هستیم. امیدوارم فضای دوومیدانی به شکلی باشد که چند تا از این اسپانسرهای قوی داشته باشیم تا در مجموع به رشد دوومیدانی کمک شود.